

بررسی تأثیرات سلفی‌گری تکفیری بر بیداری اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۴

تاریخ تأیید: ۹۳/۱۲/۲۰

محمد ستوده *

سید مهدی عزیزاده موسوی **

جریان سلفیه تأثیرات و پیامدهای عمیقی در دو حوزه افکار و رفتار برای جهان اسلام به همراه داشته است. در میان جریان‌های مختلف سلفی، جریان تکفیری بیش از سایرین با شیعه و سایر مذاهب اسلامی دشمنی می‌کند و اکنون نیز توانسته است به مدد حمایت‌های خارجی و جذب افراطیون در جهان اسلام به اهدافی نیز دست یابد. در این مقاله با بهره‌برداری از نظریه پخش، تأثیرات سلفیه تکفیری بر بیداری اسلامی بررسی شده است. سلفیه تکفیری در حوزه افکار سبب گسترش قرائت سلفی از بیداری اسلامی، گسترش فرهنگ تکفیر و رادیکالیسم، تغییر کانون علمی به کانون جاهلیت، گسترش موج اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی، گسترش موج شیعه‌هراسی و شیعه‌ستیزی و ترویج نظریه‌های خرافات شده است و در حوزه رفتار نیز موجب رشد خشونت‌گرایی، ورود نیروهای خارجی به جهان اسلام، تضعیف اسرائیل‌ستیزی در جهان اسلام و پیدایش چالش‌های فزاینده فرا روی بیداری اسلامی گردیده است.

کلید واژگان: سلفی‌گری تکفیری، جهان اسلام، تأثیرات سلفیه.

* دانشیار دانشگاه باقرالعلوم (ع).
** دکتری علوم سیاسی.

مقدمه

محتوای بیداری اسلامی، اسلام‌خواهی و بازگشت به اسلام است. مردمی که از حضور غرب و نگاه تحقیرآمیزش و اندیشه‌های غیراسلامی به تنگ آمده بودند و از طرف دیگر در پی هویت ازدست‌رفته خود بودند، مسلمانانی که به اصل «الاسلام هو الحل» ایمان داشتند، در انقلاب‌هایی که در منطقه شکل گرفت، موفق شدند قدرتهای مستبد و وابسته را به زیر بکشند؛ اما پس از پیروزی با این پرسش مهم روبرو شدند که چه باید کرد؟ راه عملیاتی کردن فرمان‌ها و آموزه‌های اسلامی که بتواند جامعه بیمار را به جامعه‌ای اسلامی تبدیل کند، چیست؟

چنین وضعیتی سبب شد اندیشه سلفی با شعار اسلام‌گرایی و قرابت و شباهتی که با اهداف و انگیزه‌های انقلاب‌های منطقه‌ای و تحولات معاصر داشت، تلاش کند عنان بیداری اسلامی را در دست گیرد. سلفیه با شعار جذاب خود که همان بازگشت به اسلام، اما از طریق تمسک بدون قید و شرط به سلف و نفی مذاهب اسلامی و دعوت به اسلام بلا مذهب بود،^۱ کوشید عنان بیداری اسلامی را در دست گیرد. چنین رویکردی سبب شد سلفیه تأثیرات بسیاری بر روند بیداری اسلامی بر جای بگذارد و رشد و گسترش آن را با موانعی جدی روبرو سازد.

یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین جریان‌هایی که در بیداری اسلامی حضور فعالی به خود گرفت، سلفی‌گری تکفیری است که قرائتی افراطی، فرقه‌گرایانه و ارتجاعی از اسلام ارایه می‌کند و توانسته است در برخی کشورهای اسلامی بر روند بیداری اسلامی تأثیرات زیادی بر جای گذارد. البته باید گفت گفتمان سلفی‌گری نیز گفتمانی بسیط و منسجم نیست؛ بلکه در دل خود خرده‌گفتمان‌های بسیاری دارد؛ برای نمونه در جریان اخوان المسلمین که بسیاری آن را در ردیف جریان‌های سلفی قرار می‌دهند، به سه جریان سکولار، معتدل و افراطی تقسیم می‌شود؛^۲ همچنین سلفیان عربستان نیز خود به جریان‌های مختلف فکری همانند ملکیه، نوسلفیان، اخوان التوحید، جامیه و ... تقسیم



۱. برای آشنایی با مکتب سلفی‌گری ر.ک: سعید محمد رمضان البوطی، السلفیه مرحلة زمنية مباركة

لامذهب اسلامی، دمشق، ۲۰۰۳م.

۲. برای آشنایی با جریان‌های داخلی اخوان المسلمین ر.ک: سید هادی خسروشاهی،

اخوان المسلمین چه می‌گویند و چه می‌خواهند، بوستان کتاب، ۱۳۹۲.

می‌شوند (ر.ک: نعیمیان، ۱۳۸۶، ص ۹۱ - ۱۱۸، جریان‌شناسی وهابیت، ۱۳۹۱). که هر چند تمام آنها به اصول مشترکی پایبندند، تفاوت‌های بنیادینی در میان آنها دیده می‌شود. در عین حال یکی از مباحث اساسی و پیشینی در تقابل یا تعامل با سلفیه شناخت ابعاد و میزان تأثیرات سلفیه بر بیداری اسلامی است که بدون آن، هر گونه سیاستگذاری و تبیین راهبرد و راهکار برای مقابله ناتمام خواهد بود. در این مقاله تلاش می‌شود با بهره‌گیری از نظریه پخش تأثیرات سلفیه تکفیری بر بیداری اسلامی بیان گردد.

نظریه پخش (Diffusion)

تأثیرات جریان سلفی بر بیداری اسلامی را می‌توان در سطوح مختلف بررسی کرد؛ به این معنا که گاه سلفیه بر بیداری اسلامی تأثیرات روشنی^۱ داشته است و گاه تأثیرات محتوایی، همچنین گاه سنخ تأثیرات در حوزه فرهنگی و اعتقادی بوده است و گاهی در حوزه‌های سیاسی - امنیتی. بررسی این تأثیرات روشی مناسب می‌طلبد. به نظر می‌رسد برای مصداق پژوهی تأثیرات سلفیه بر بیداری اسلامی، نظریه پخش یا اشاعه پاسخگوی پرسش در این زمینه باشد. نظریه پخش قدرت تبیین و توضیح هرگونه نوآوری فکری یا فیزیکی را دارد و هم علت اشاعه، نحوه گسترش و مسیرها و مجاری پخش آن و هم علل توقف آن و علل گسترش مجدد آن و نیز پایداری برخی از امواج و زوال برخی دیگر را توضیح می‌دهد. (Haggett, 1983, p.303-304); به عبارت دیگر اشاعه یا پخش فرایندی است که بر طبق آن یک امر فرهنگی که علامت مشخصه یک جامعه است، در جامعه دیگری به عاریت گرفته می‌شود و مورد پذیرش قرار می‌گیرد (پانوف و پرون، ۱۳۶۸، ص ۱۱۳); همچنین در نظریه پخش از جریان اشاعه فرهنگی به وام‌گیری فرهنگی یاد می‌شود که جوامع دیگر هنجارهای فرهنگی یک جامعه را پذیرا می‌شوند (فرارو، ۱۳۷۹، ص ۵۲). پخش خود به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود:

پخش جابجایی: این پخش زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص به‌طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این طریق، ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابند (همان، ص ۱۶۳).

پخش سلسله مراتبی: در این نوع از پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله‌مراتب



و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات منتقل می‌شود و گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر یا از یک مرکز شهری مهم به مرکزی دیگر گسترش می‌یابد (همان). برخی این پدیده را «انتشار ریزشی» نیز گفته‌اند؛ یعنی فرایندی که از مراکز بزرگ‌تر و مهم‌تر به مراکز کوچک‌تر سرازیر می‌شود (Hagget, 1983, p.305).

پخش سرایتی یا واگیردار: این پخش در مقابل پخش سلسله‌مراتبی است. در این نوع پخش، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد؛ مانند اشاعه بیماری‌های مسری. این فرایند به شدت تحت تأثیر فاصله قرار دارد؛ بنابراین افراد و نواحی نزدیک نسبت به افراد و نواحی دوردست احتمال تماس بیشتری دارند (Ibid).

دو نوع پخش سلسله‌مراتبی و سرایتی از نوع پخش‌هایی‌اند که دارای سرعت انتشار بالایی‌اند. در این دو نوع پخش، این افکار، اندیشه‌ها و مفاهیم‌اند که از سرزمین میزبان به سرزمین میهمان و جدید هجرت می‌کنند و چون فیزیکی نیستند دارای سرعت انتشار بالایی است. در واقع هر دو از نوع پخش انبساطی تلقی شده‌اند (جردن و راوتسری، ۱۳۸۰، ص ۱۶۰).

در مجموع با بهره‌گیری از نظریه پخش تأثیرات سلفی‌گری تکفیری را می‌توان در دو حوزه افکار و رفتار به صورت زیر مورد بررسی قرار داد:

۱-۲. افکار

سلفیه در حوزه افکار تأثیرات عمیقی بر جریان بیداری اسلامی داشته است. در حالی که بیداری اسلامی به دنبال گسترش اسلام اعتدالی و بازگشت به ارزش‌ها و اصول اساسی اسلام و تقویت زمینه‌های همگرایی میان جهان اسلام است، جریان سلفی در ابعاد روش‌شناسی، اعتقادات و نظام سیاسی تغییرات بنیادینی ایجاد کرده است. در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱-۱-۲. گسترش قرائت سلفی از بیداری اسلامی

بیداری اسلامی بی‌تردید هنگامی می‌تواند در تحول جهان اسلام و هدایت آن به سوی تعالی موفق باشد که بر اساس خردورزی و اجتهاد حرکت کند و علی‌رغم پایبندی به اصول و اندیشه حیات‌بخش اسلام به نفی دستاوردهای مادی بشر نپردازد. چنین روشی در اندیشه مصلحان بزرگ همانند حضرت امام علیه السلام، سید جمال، محمد عبده، علامه اقبال دیده می‌شود که همواره عنصر عقل و اندیشه را در کانون اندیشه خود لحاظ کرده‌اند.

پخش قرائت سلفی در فضای بیداری اسلامی از نوع سرایتی است و به سبب شباهت ظاهری آن با اصل بازگشت به اسلام در اندیشه بیداری اسلامی توانسته است رشد و گسترش بسیاری داشته باشد. فاصله یکی از ویژگی‌های پخش از نوع سرایتی است؛ به این معنا که هرچه جامعه به مرکز بیماری نزدیک‌تر باشد، قدرت رشد و گسترش این اندیشه افزایش می‌یابد. به همین سبب قرائت سلفی از بیداری اسلامی در مناطقی که مستقیماً درگیر مباحث بیداری اسلامی بوده‌اند، بیشتر مشاهده می‌شود.

تونس نخستین کشوری بود که درگیر انقلاب شد و اسلام‌خواهی یکی مطالبات مردم مسلمان این کشور بود. دلیل بر اسلامی‌بودن انقلاب تونس افزایش فزاینده محبوبیت حزب اسلام‌گرای النهضه می‌باشد. پس از پیروزی انقلاب تونس حزب النهضه توانست زمام امور را در دست گیرد؛ اما به موازات گسترش اسلام‌گرایی، جریان سلفی نیز در این کشور فعال شد و به فعالیت‌های تبلیغاتی و همچنین موج‌سواری بر بیداری اسلامی در این کشور پرداخت. گروه‌های سلفی تندرو از جمله انصار الشریعه قرائتی سلفی از انقلاب این کشور ارائه دادند تا آنجا که راشد الغنوشی (رهبر حزب النهضه) آنان را تهدیدی جدی برای انقلاب این کشور تشخیص داد و رسماً آنان را خوارج زمانه نامید؛ به گفته وی «هر کجای زمین که این جهادی‌ها که خوارج زمانه هستند، حضور داشته باشند، خونریزی و ویرانی فرود می‌آید. تا کنون هیچ دولتی وجود نداشته است که سلفی‌ها در آن به موفقیت دست یافته باشند. آیا سومالی و عراق و افغانستان دولت‌هایی با ثبات دارند؟» (سلفی‌ها خوارج زمانه هستند، ۹۳/۳/۶).

وی در تفاوت جریان معتدل و جریان افراطی می‌گوید: «فرق بین جنبش النهضه و جهادی‌ها این است که ما تندرو و افراط‌گرا نیستیم و خواهان منافع کشورمان هستیم؛ در صورتی که سلفی‌های جهادی این‌گونه نیستند. تا کنون هیچ یک از این سلفی‌های تندور در زمینه اقتصاد، علوم، قانون و علوم اجتماعی هیچ دانشمند و عالمی نداشته‌اند و قشر بزرگی از ملت بر اثر افراط‌گرایی‌های برخی گروه‌های سلفی از اسلام واهمه دارند. (همان).

چنین وضعیتی در مصر نیز دیده می‌شود. پس از انقلاب مصر، گروه‌های سلفی کوشیدند انقلاب را به نفع خود مصادره کنند. احزاب سلفی النور، الفضیله، الاصلاح و الاصله که طیف‌های مختلف سلفیه در کشور مصرند، در فردای انقلاب مصر قرائتی سلفی از انقلاب مصر ارائه دادند و کوشیدند انقلاب را به نفع خود مصادره کنند تا آنجا که



حزب سلفی النور با حمایت‌های عربستان سعودی کوشید خود را به جریان معتدل اخوان المسلمین که برآمده از مطالبات دینی مردم بود، نزدیک کند و دیدگاه‌های سلفی خود را دیکته نماید. بی‌شک نزدیکی اخوان المسلمین به احزاب سلفی از یک سو در کنار عوامل دیگر موجب سرنگونی مرسی گردید.

البته جدای از قرائت رسمی سلفی فعال در عرصه سیاسی مصر شاهد فعالیت گروه‌های سلفی افراطی‌تر و رادیکال‌تر در صحرای سینا هستیم؛ گروهی که به کشتار نظامیان و مردم این منطقه و انفجار تأسیسات نفتی می‌پردازند. گروه‌هایی مانند «مجلس شورای مجاهدین در اکناف بیت‌المقدس» و هسته‌های اولیه جماعت «انصار بیت‌المقدس» که بیشتر آنان از بقایای التوحید و الجهاد هستند.^۱

همان‌گونه که گفته شد نوع پخش در رشد قرائت سلفی در حوزه بیداری اسلامی از نوع سرایتی است؛ به این معنا که همانند یک ویروس که به سرعت منتشر می‌شود، قرائت سلفی نیز در فضای بیداری اسلامی زمینه رشد دارد. هیجانات، اصل کلی بازگشت به اصول و مبانی اسلام و دشمنی با غرب عواملی است که موجب بهره برداری و سوء استفاده جریان سلفی از فضای بیداری اسلامی شده است.

مشکل دیگر این بود که بیداری اسلامی در حالی در کشورهای اسلامی شکل گرفت که ادبیات و مبانی و اصول آن حتی برای نخبگان روشن نبود و در بامداد پیروزی انقلاب‌ها هیچ‌گونه مدلی برای راهبری و خروج این کشورها از بحران‌ها ارائه نشد و همین وضعیت سبب شد جریان‌های سلفی از خلأ به‌وجودآمده برای ارائه و گسترش قرائت خود از بیداری اسلامی تلاش کنند، به‌ویژه آنکه غرب کشورهایمانند عربستان و قطر برای محدودساختن تأثیرات فراگیر بیداری اسلامی در جهان اسلام راه حمایت از گروه‌های سلفی تندرو را امتحان کردند.

۲-۱-۲. گسترش فرهنگ تکفیر و رادیکالیسم

روند بیداری اسلامی از آنجاکه در بسیاری از کشورها ماهیت انقلابی داشت، منجر به ناآرامی‌ها و مخالفت‌های فیزیکی با نظام حاکم گردید؛ در کشورهایی مانند تونس، مصر، یمن و لیبی چنین اتفاقی افتاد. به عبارت دیگر روند تحولات جهان اسلام به‌گونه‌ای بود

1. <http://www.mehrnews.com/news/۲۴۹۵۵۵۹>

که اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه نه می‌توانست پاسخگوی مطالبات مردم باشد و نه مجالی برای بروز و ظهور داشت. شعار «الشعب، یرید اسقاط النظام» که در کشورهای درگیر به سرعت فراگیر شد، به‌خوبی نشان ماهیت انقلابی این روند است (مردم مصر و شعار «الشعب یرید اسقاط النظام»، ۱۳۸۹/۱۱/۲۴).

از آنجا که انقلاب‌ها و تحولات اجتماعی در دل خود، ناآرامی و بی‌ثباتی را دامن می‌زند و حداقل در دوره گذار، جامعه شاهد التهابات و مشکلات ناشی از اعتراضات و مخالفت‌ها با نظام حاکم است (مشیرزاده، ص ۱۹)، زمینه رشد و گسترش اندیشه‌های افراطی نیز مستعد می‌شود.

مفهوم تکفیر در بیشتر قرائت‌های سلفی، وجود دارد؛ اما میزان و غلظت آن در اندیشه‌های سلفی به یک اندازه نیست؛ به همین سبب هرچا اندیشه‌های سلفی ورود پیدا کرده است، به سبب ماهیت آن، نوعی پراگماتیسم و جزمیت مبتنی بر مخالفت با اندیشه‌های مخالف شکل گرفته است که میزان آن با توجه به نوع سلفی‌گری متنوع است. چنین ویژگی‌های دوسویه‌ای سبب شده است که سلفیه در رشد خشونت، افراط‌گرایی و اندیشه‌های تکفیری در فضای بیداری اسلامی نقش بی‌بدیلی بازی کند.

متأسفانه در فضای بیداری اسلامی، سلفیه نه فقط نکوشید دشمنان مشترک و عوامل اصلی عقب‌ماندگی مسلمانان را هدف بگیرد، بلکه فرقه‌گرایی و اختلافات درونی را دامن زد. سلفیه از فضای به‌وجودآمده در عصر بیداری اسلامی، قرائتی تکفیری و افراطی ارائه نمود و واژه‌های مهم و کلیدی همانند کفر، شرک و بدعت را به‌سادگی در مورد مسلمانان به کار برد. در سخنان و فتاوی فرماندهان فکری تکفیر همانند عدنان عرعور، قرضاوی، عبدالرحمن دمشقیه، ناصر العمری، عادل الکلبانی، به‌سادگی حکم تکفیر و اباحه دم و اموال صادر می‌شود و به ادنی دلیلی فرد متهم به کفر و زندقه می‌گردد و پس از آن، گروه‌های تکفیری سلفیه این احکام را اجرا می‌کنند.^۱

از طرف دیگر درحالی‌که در حوزه اندیشه و افتاء در طول قرون گذشته اسلام کمتر شاهد فتاوی تکفیری بوده‌ایم، امروزه در فضای به‌وجودآمده، شاهد رشد و گسترش چنین وضعیتی هستیم. گروه‌های سلفی مذاهب مختلف را تکفیر می‌کنند که از آن جمله می‌توان

۱. در یکی از اظهار نظرها، عدنان در شبکه مجد رسماً اعلام کرد که دشمنانمان (مسلمانان) را در چرخ گوشت خواهیم ریخت و گوشت چرخ‌کرده آنان را به سگ‌ها خواهیم داد.



به تکفیر شیعیان عراق، علوی‌های سوریه، حوثی‌های یمن، مالکی‌های نیجریه، صوفیان مصر اشاره کرد (علیزاده موسوی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۳۳ - ۲۴۸).

نوع پخش در این محور بیشتر سلسله‌مراتبی یا ریزشی است؛ به این معنا که این فتاوا یا دیدگاه‌های تکفیری را مفتیان سلفی صادر می‌کنند و سپس پیروان به کار می‌گیرند؛ به عبارت دیگر چون رهبران دیدگاه‌های تکفیری دارند، این دیدگاه‌ها به گروه‌های نازل‌تر و پایین‌تر نیز منتقل می‌شود. پخش یا اشاعه ریزشی یا سلسله‌مراتبی سبب شده است فرهنگ تکفیر و افراط‌گرایی در میان لایه‌های مختلف جریان‌ها و طیف‌های سلفی نفوذ کند و گسترش یابد و همچنین فرایند بیداری اسلامی را به سوی رادیکالیسم، تکفیر و صحنه بازی را از تقابل با غرب به تقابل با مسلمانان تغییر دهد.

۳-۱-۲. تغییر کانون علمی به کانون جاهلی

بیداری اسلامی در طول تاریخ خود شاهد رهبران وارسته و فرهیخته‌ای بوده است. از قرون گذشته که افرادی همانند طهطاوی و خیرالدین تونسلی نخستین جرقه‌های بازگشت به اسلام را زده‌اند تا در قرن گذشته که افرادی همانند سید جمال، محمد عبده، علامه اقبال و حضرت امام و رهبری این جریان را به عهده داشته‌اند، بیداری اسلامی همواره در فضای عقلانی، تخصصی و علمی پیش رفته است؛ به‌ویژه آنکه بیداری اسلامی که مرکب از بازگشت به اصول اساسی اسلام و تعامل منطقی با دنیای جدید است، خود نیازمند آگاهی و آشنایی با معارف و آموزه‌های اسلامی از یک سو و مقتضیات زمان و مکان از سوی دیگر است.

اما همان‌گونه که گفته شد، بیداری اسلامی در سال‌های معاصر با شتاب پیش‌رفت و توالی حوادث و رویدادها، که با توجه به فقر داشته‌های علمی و عدم وجود سیاست‌های راهبردی، به‌گونه‌ای بود که قدرت برنامه‌ریزی را گرفت و موجب شد جریان سلفیه علاوه بر اینکه زمینه‌های افراط‌گرایی و تکفیر را در جهان اسلام بگستراند، به نوعی سطحی‌نگری و آرا و اندیشه‌های سخیف متوسل شود؛ به عبارت دیگر رهبری جریان‌های سلفی فعال در فضای بیداری اسلامی به جای آنکه در دست رهبران بنام این جریان‌ها باشد، به دست رهبران جهادی افتاد که معمولاً از نظر علمی ضعیف‌اند و بیشتر نخبه‌ابزاری‌اند. شاهد بر این ادعا انزوای رهبران تکفیری مانند عدنان عرعور، قرضاوی و حتی

گاه اتخاذ مواضع مخالف با جریان‌های سلفی تکفیری است.^۱

این وضعیت سبب شده است، رهبران جهادی جاهل افکار بسیار سخیف و فتاوای شاذ و نادری بیان کنند که با فقه و کلام هیچ یک از مذاهب اسلامی هماهنگی ندارد. دستورها و فرمان‌های این افراد نشان این واقعیت است که رهبری علمی این جریان‌ها از کانون علما و اندیشمندان به سوی کانون نوعی عملگرایی غیرعلمی در حال تغییر است و این وضعیت شرایط را در تعامل با جریان‌های سلفی دشوارتر می‌کند.^۲ فتاوای مربوط به جهاد نکاح و سپس عملی شدن این فتوا در سوریه و عراق و برخی از کشورهای دیگر نیز معلول چنین وضعیتی است.

نوع پخش در این حوزه بیشتر بر اثر پخش جابه‌جایی است؛ به این معنا که رفته‌رفته رهبران علمی سلفیه با فعالیت‌های افراطی جریان‌های سلفی کنار گذاشته شده‌اند و جای

۱. برای نمونه عدنان عرعور در شبکه قطر رسماً در برابر داعش و جبهة النصرة که خود زمانی ایدئولوگ فکری آنان بود، موضع گرفت؛ همچنین هیئت کبارالعلمای عربستان که از حامیان اصلی جریان‌های سلفی در بیداری اسلامی بودند، در کنفرانس اسلام و تروریسم در ۹۳/۱۲/۶ در شهر مکه در قبال آنان موضع گرفتند.

۲. برخی از فتاوا عبارت از: ممنوع بودن نشستن زنان بر روی صندلی و کشیدن سیگار و قلیان و کسی که مرتکب آن شود به قطع دو انگشت سیابه و وسط محکوم می‌شود؛ در صورت تکرار به هشتاد ضربه شلاق محکوم و با ادامه آن اعدام خواهد شد. آرایشگاه‌های مردانه باید بسته شود و کوتاه کردن مو ممنوع است و مخالفت کردن با این قوانین شرعی حکم اعدام دارد. گذاشتن لباس زنانه در فروشگاه‌ها در ملاءعام ممنوع است و لباس زنانه را باید زن بفروشد. در اماکنی که لباس زنانه دوخته می‌شود، نباید مردان حضور داشته باشند؛ در غیر این صورت بسته خواهند شد. استفاده از تصویر زنان در تبلیغات ممنوع است؛ همچنین زنان در صورت نیاز به درمان تنها باید به دکتر زنان مراجعه کنند. آرایش کردن، مدل دادن مو و استفاده از موادی مانند ژل برای مو توسط جوانان ممنوع است و مخالفت با آن هشتاد ضربه شلاق در پی خواهد داشت. هر کس کلمه «داعش» را به کار برد به هفتاد ضربه شلاق محکوم خواهد شد. پوشیدن هرگونه شلوار جین و تی شرت و آرایش صورت برای دختران ممنوع است و آنها باید لباس و عبا داشته باشند. گروه تروریستی موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) فتوهای عجیبی را که در بالا ذکر آن رفت، با عنوان قوانین شرعی برای اجرا به شهر رقه به شمال شرق سوریه ابلاغ کرد و اجرای آن را از پانزدهم نوامبر خواستار شد (به نقل از سایت خرداد).



خود را به رهبران جهادی عملگرا که با فضای علم و معارف دینی آشنایی نداشتند، دادند؛ برای نمونه چهره‌هایی مانند ایمن الظواهری، ابومحمد مقدسی، ابوقتاده فلسطینی در میان طیف‌های سلفی تکفیری جایگاه خود را از دست داده‌اند و افرادی همانند ابوعمر شیشانی، ابوعلی شیشانی، ابومصعب زرقاوی و رهبرانی که از سرزمین‌های خود به سوی کانون‌های بحران هدایت شده‌اند، جایگزین شده‌اند. این رهبران نیز به جای آنکه بر اساس مبانی و تفکرات اصیل سلفی فعالیت‌های خود را سامان دهند، رویکردی سطحی و هیجانی به خود گرفتند و در بسیج نیروهای تکفیری نقش مهمی ایفا کردند.

۴-۱-۲. گسترش موج اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی

اسلام‌هراسی و متعاقب آن اسلام‌ستیزی سابقه‌ای دیرینه حداقل به اندازه شرق‌شناسی دارد. در آثار مستشرقان، همواره نوعی سیاه‌نمایی و ترسیم چهره‌ای غیرواقعی از اسلام و مسلمانان مشاهده می‌شود. ریشه این مسئله را جدای از تقابل نظامی در جنگ‌های صلیبی و اسپانیا باید در تقابل‌های فکری و عقیدتی جستجو کرد؛ به گفته ادوارد سعید، نگاه استثنائگرایانه غرب یا همان غیریت‌سازی موجب شده است که برای معرفی غرب خوب، اسلام یا مسلمانان بد ملاک قرار گیرند.^۱

ریشه دیگر اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی غرب رشد و گسترش شدید اسلام در کشورهای غربی است؛ به گفته اسپوزیتو، اگر در گذشته شهرهایی مانند مکه، مدینه، قاهره شهرهایی اسلامی شمرده می‌شدند، امروز شهرهایی مانند ماری، لیون، واشنگتن و لندن را باید جزء کشورهای اسلامی شمرد، چه اینکه در کنار هر کلیسا گلدسته مسجدی نیز افزاشته شده است. بر پایه آمار، سرعت گسترش اسلام در کشورهای اروپایی حتی از مسیحیت بیشتر است و شاید در دهه‌های آینده مسلمانان از نظر جمعیت دیگر در کشورهای غربی در اقلیت نباشند.^۲ چنین وضعیتی سبب شده است اسلام‌ستیزان از هر مستمسکی برای مقابله با اسلام استفاده کنند و یکی از مهم‌ترین اهرم‌های آنان،

۱. برای آشنایی با نظریه ادوارد سعید ر.ک: شرق‌شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲. برای آشنایی با وضعیت مسلمانان در اروپا و آمریکا ر.ک: گروهی از نویسندگان، *مسلمانان اروپا و آمریکا*، ترجمه سید مهدی علیزاده موسوی، کیش مهر، ۱۳۸۱.

بهره‌برداری از شرایط امروز جهان اسلام است.

نکته‌ای که در عملکرد سلفیه در تحولات معاصر جهان اسلام قابل توجه است، این واقعیت است که سلفیه با عملکرد خود در چند سال گذشته بهانه لازم را برای اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی به‌شدت فراهم کرده است؛ به عبارت دیگر اگر غرب در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ برای مقابله با اسلام از کاریکاتور، آتش‌زدن قرآن، مقابله با گلدسته، مناره و مقالات آتشین ضداسلام استفاده می‌کرد، جریان‌های سلفی در تحولات اخیر جهان اسلام بهانهٔ بهتری در اختیار اسلام‌ستیزان قرار دادند. سلفیه تکفیری در شرایط حاضر به‌شدت غرب را در پروژه اسلام‌هراسی یاری نمود. رشد و گسترش بیداری اسلامی بر اساس اسلام معتدل خطری جدی برای غرب محسوب می‌شد؛ از این رو غرب پروژه «اسلام علیه اسلام» را آغاز کرد و با انعکاس اعمال خشونت‌بار و ضدانسانی سلفیه در رسانه‌ها به‌خوبی توانست به اهداف خود برسد. در یکی از پژوهش‌هایی که به بررسی ضریب القانات اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در غرب پرداخته است؛ به صورت موردی به بررسی روزنامه تایمز پرداخته؛ این روزنامه با آوردن نمونه‌های بسیار از عملکرد گروه‌های افراطی اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی را القا کرده است. (حسن‌خانی، ۱۳۸۱، ص ۴۵ - ۷۹).

محمد صالح (نویسنده عرب) در سایت الجزیره به‌تفصیل به عللی که موجب شده است جریان‌های سکولار، لیبرال و ملی‌گرا به جریان‌های اسلام‌گرا حمله کنند و اسلام‌هراسی را در تحولات بهار عربی به وجود بیاورند، اشاره کرده است. وی بر اساس مدل مصداق‌پژوهی اخوان المسلمین را بررسی کرده است. صالح تأکید می‌کند که ترساندن از اخوان المسلمون عموماً با عناوینی نظیر تروریسم، افراط‌گرایی، واپس‌گرایی یا صفاتی مانند ضدآزادی و ضدحقوق زنان یا عناوین دیگری مانند دیکتاتور به اسم دین نمود پیدا می‌کند؛ این تبلیغات حتی در برخی موارد از متهم کردن به مزدوری برای کشورهای دیگر و فرصت‌طلبی و عدم قدرت برای ارائه برنامه واقعی مدیریت کشور و ترتیب‌دادن به مناسبات خارجی نیز خالی نیست.^۱

هرچند صالح در این مقاله کوشیده است اتهاماتی را که به اخوان المسلمین نسبت داده شده است، غیرواقعی قلمداد کند و رفع اتهام از اخوان نماید، باید به این نکته اذعان کرد که برخی از اعمال شاخه افراطی اخوان المسلمین به چنین وضعیتی دامن زده است، که



نهایتاً عملکرد منفی این حزب که یک کارش حمایت از احزاب و گروه‌های تند سلفی مانند النور بود، موجب سرنگونی آن گردید.

این نوع اشاعه از طریق ماهواره‌ها، مطبوعات، فضای مجازی و سایر رسانه‌هاست. مخاطبان اصلی جریان اسلام‌هراسی نیز بیشتر غیرمسلمانان، به‌ویژه غربی‌هایند. پیام این فکر این است که اسلام به شدت در غرب در حال پیشروی است و این خطری اساسی برای جهان غرب است؛ وقتی مسلمانان به خود رحم نمی‌کنند، در صورت یافتن قدرت به پیروان دیگر مذاهب هم رحم نخواهند کرد (trust 2005, p.60).

۵-۱-۲. گسترش موج شیعه‌هراسی و شیعه‌ستیزی

مفهوم هلال شیعی (Shiite Crescent) در ادبیات آلمانی سابقه طولانی دارد؛ اما سخن ملک عبدالله دوم - پادشاه اردن - بود که توجه‌ها را به طرح هلال شیعی در خاورمیانه برانگیخت.^۱ کاربرد این واژه مقارن با به‌قدرت‌رسیدن شیعیان در انتخابات عراق، پس از حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳م به این کشور بود. بر این اساس به‌قدرت‌رسیدن شیعیان در عراق تکمیل‌کننده هلالی از حوزه‌های نفوذ شیعه است که کشورهای لبنان، سوریه، عراق، ایران، پاکستان و افغانستان را در بر می‌گرفت؛ به این معنا که شیعیان ایران و در لبنان و در عراق و سوریه از جایگاه تعیین‌کننده‌ای در منطقه برخوردارند.

حسنی مبارک (رئیس‌جمهور اسبق مصر) در ضرورت شیعه‌هراسی گفت: «شیعیان در جهان عرب به ایران وفادارترند تا کشور خود». به گفته وی شیعیان کشورهای اسلامی که از نظر ملی و ظاهری تبعه آن کشورها هستند، بیش از آنکه به پیوندهای خونی و ملی پایبند باشند، به پیوندهای مذهبی اعتقاد دارند؛ پس آنان نیروهای ایران در این کشورها هستند. همچنین او بار دیگر به شکل‌گیری هلال شیعی و تأثیر آن بر مناسبات منطقه‌ای به سود ایران هشدار داد (العربیة، اوریل ۲۰۰۶).

شاهزاده مقرن - ولیعهد دوم عربستان - نیز اعلام کرد دیگر سخن گفتن از هلال شیعی درست نیست، چه اینکه هلال شیعی در حال تبدیل به بدر کامل است و این

۱. ملک عبدالله در سفر به آمریکا در دسامبر سال ۲۰۰۴ در مصاحبه با روزنامه واشنگتن پست

هلال شیعه را مطرح نمود.

خطری است که کشورهای اسلامی را تهدید می‌کند.^۱ با آغاز بیداری اسلامی و نشانه‌های تأثیرپذیری انقلاب‌های عربی از جمهوری اسلامی ایران، ضریب این نوع القائات به اوج خود رسید. در این میان جریان‌های سلفی بیش از همه از فرصت به‌دست‌آمده برای تصدیر انقلاب‌ها از حربه مد شیعی استفاده می‌کردند (سلفی‌های خشمگین، ۹۳/۱۲/۲).

احمد خالد (نویسنده مصری) در مقاله‌ای با عنوان «طرح ایران برای تحقق رؤیای هلال شیعی»^۲ به بررسی طرح‌ها و مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال انقلاب‌های عربی پرداخته است. همچنین افرادی چون فهیمی هویدی ادعای عجیب شکل‌گیری دو بلوک شیعی و یهودی در برابر یکدیگر را دارند که بلوک شیعی متشکل از کشورهای شیعی‌اند و بلوک یهودی اسرائیلی‌ها و هم‌پیمانان آنها.^۳

سلفیه از پروژه شیعه‌هراسی چند هدف عمده را دنبال می‌کند: ۱. همگرایی متشددان اهل سنت با خود در فعالیت‌های ضد شیعی ۲. کنترل نفوذ اندیشه شیعی در کشورهای اسلامی، به‌دلیل گزارش‌های متعددی از رشد و گسترش اندیشه شیعی در کشورهای اسلامی در سال‌های اخیر ۳. شکاف‌زی بودن جریان‌های افراطی و تکفیری، به این معنا که در دل شکاف‌های مذهبی و اجتماعی رشد می‌کنند و هرچه عمق این شکاف‌ها بیشتر باشد زمینه رشد و گسترش اندیشه‌های افراطی بیشتر خواهد بود. البته چنین سیاستی صرفاً به ستیز با شیعه محدود نمی‌شود؛ بلکه اهل سنت شریعت‌محور و طریقت‌محور (میان احناف و شوافع و حنابله) را هم شامل می‌شود (همان).

۶-۱-۲. ترویج نظریه احیای خلافت در سایه بیداری اسلامی

نمونه آرمانی حکومت در نگاه اهل سنت مدل خلافت است که یادآور خلافت راشد در صدر اسلام می‌باشد. نظریه خلافت در اندیشه سنی ناظر به نظریات قدیم (ستی) اهل

1. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930111000274>.

۲. احمد خالد، المشروع الايراني لاهياء الهلال الشيعي، <http://www.al-20012/5>.

/tagheer.com



سنت می‌باشد که در برابر نظریات جدید قرار می‌گیرد که معمولاً شورامحورند.^۱ بیداری اسلامی، به زعم سلفیه، ظرفیت احیای مجدد خلافت را دارد. شعار اصلی سلفیه برای تأثیرگذاری در میان اهل سنت از دو رکن تشکیل شده است: خلافت مهم‌ترین رکن اندیشه سیاسی سنی است و در بیداری اسلامی باید به دنبال احیای این نهاد مهم باشیم؛ خلافت عباسی با همکاری شیعیان سرنگون شده است و از همین رو باید شیعه را دشمن اصلی احیای خلافت قلمداد کرد و با تمام توان در برابر آن ایستاد.^۲

پوشیدن لباس مشکی و پرچم مشکی برای احیای فرهنگ عباسیان است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین خطرهای سلفیه که امروزه جریان بیداری اسلامی را تهدید می‌کند، گسترش و ایده خلافت سنتی در میان اهل سنت است که سال‌ها آرزوی احیای آن را داشته‌اند و سعادت دنیا و آخرت خود را در احیای آن می‌بینند؛ به همین دلیل از نگاه سلفیان بیداری اسلامی زمینه تشکیل و احیای مجدد خلافت اسلامی است؛ داعش بر پایه همین تفکر ابوبکر بغدادی را خلیفه اسلامی معرفی کرد و عنوان بغدادی را به وی داد که یادآور خلافت عباسیان در بغداد باشد. چنین رویکردی در افریقا در کشورهایی مانند لیبی، تونس و مصر نیز دنبال می‌شود؛ برای نمونه عبدالرزاق اجحا (شیخ سلفی مغربی) که پیشتر بازداشت شده بود، به جوانان مغرب، تونس، سودان، موریتانی و کسانی که خواهان پیوستن به داعش‌اند، گفت: کسانی که به سبب بُعد مسافت نمی‌توانند به سرزمین شام سفر کنند، به سلفیان لیبی بپیوندند؛ زیرا اینجا نیز سرزمین خلافت است. به گفته وی «در واقع جنگ داعش با جهان، جنگ اسلام اصیل و اسلام تغییر یافته و جنگ علمای اسلام و علمای درباری و وابسته به حاکمان است».^۳ در منطقه آسیای میانه نیز حزب التحریر پیگیر احیای خلافت اسلامی است.^۴

در مجموع نظریه خلافتی که سلفیه در جهان اسلام ترویج می‌دهند، دارای شرایط مستعدی است. نخست آنکه احیای اسلام در نگاه اهل سنت به احیای خلافت گره خورده است؛ ثانیاً تلاش برای ایجاد حکومت اقتضای بنیان بهترین نوع حکومت را که همان

۳. برای اطلاعات بیشتر: ر.ک: داوود فیرحی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، انتشارات سمت.

۱. برای آشنایی با این دیدگاه ر.ک: ابو نسبیة، دولة الاسلامیة فی العراق و الشام، (مشروع خلافة

الموعود، الموصل، ۲۰۱۲م.

3. <http://fa.alalam.ir/news/1680564>.

4. <http://vista.ir/article/۲۹۴۰۲۶>.

خلافت در اندیشه اهل سنت است دارد، ثالثاً تلاش مضاعف سلفیه برای کشاندن بیداری اسلامی به سوی نظریه توهمی احیای خلافت توانسته است موافقانی در جهان سنی بیابد.^۱ پخش در این حوزه نیز از نوع جابجایی، سلسله مراتبی و سرایتی است؛ به این معنا که حضور افرادی همانند ابوبکر بغدادی در مناطق سلفی زمینه شکل‌گیری این ایده را تقویت می‌کند. اندیشه خلافت در افواه و اظهار نظرهای بزرگان اهل سنت وجود دارد و این امر موجب تبعیت عامه از آنها می‌شود^۲ و این نگرش از سوی کانون‌های سلفی در سایر مناطق جهان اسلام در حال رشد و گسترش است.^۳

۲. رفتار

جریان‌های سلفی افزون بر تأثیرات فکری و اندیشه‌ای، تأثیرات فیزیکی و رفتاری نیز داشته‌اند؛ به عبارت دیگر در فضای بیداری اسلامی نوعی فرهنگ‌سازی سلفی در حوزه رفتار در حال شکل‌گیری است که در صورت عدم برنامه‌ریزی‌های صحیح تأثیرات عمیقی بر فرایند بیداری اسلامی خواهد گذاشت.

۱-۲-۲. رشد خشونت در جهان اسلام

اندیشه سلفی تکفیری در طول حیات خود همواره با خشونت و ارهاب پیش رفته است. رشد و گسترش وهابیت از سال ۱۱۵۳ قمری تا کنون، همواره در سایه شمشیر بوده

۱. برای آشنایی با نفوذ اندیشه‌های خلافت سلفی در میان اهل سنت، ر.ک: محمد عماره، نظریة الخلافة، السفینة، الثورة، الفرق الاسلامی، المؤسسة العربیة للدراسات والنشر، ۱۹۸۶.

۲. البته سلفیان خلافت آرمانی مورد نظر اهل سنت را با مفهوم خلافت در نزد خود تصدیق کرده‌اند؛ به این معنا که خلافت سلفی بیشتر یادآور خلافت به مفهوم خوارجی آن است؛ و این نکته پس از رفتارهای شنیع آنان بر علمای اهل سنت نیز پوشیده نمانده است.

۳. برای نمونه گروه داعش با استفاده از ایده خلافت توانسته است در بخش‌های مرزی افغانستان و پاکستان نیز نفوذ کند. به گفته امیر رعنا (تحلیلگر نظامی) در پاکستان «گروه‌های گوناگون که در بخش‌های قبایلی پاکستان وجود دارند از داعش الهام خواهند گرفت و دنباله‌رو سیاست این گروه خواهند شد هرچند گروه داعش ممکن است کمکی به این گروه‌ها نکند». برخی بر این باورند که زمینه نفوذ داعش در بخش‌های مرزی افغانستان و پاکستان فراهم است؛ زیرا ۲۳۴ گروه هراس افکن در پاکستان فعالیت دارند و حداقل شصت گروه آن که تندرو گفته شده‌اند، تمایل به داعش را دارند.



است.^۱ در تاریخ معاصر نیز به جز دهه نود که سلفی‌ها در الجزایر قریب دویست هزار نفر را قتل عام کردند (دوست محمدی و زحمتکش، ۱۳۸۸، ص ۲۰۱ ° ۲۰۲)، در سال‌های اخیر متأسفانه بار دیگر چنین وضعیتی در مقیاس گسترده‌تر و فجیع‌تر در عالم اسلامی شکل گرفته است.

از باب نمونه مصر پس از انقلاب شاهد رشد خشونت‌های سازمان‌یافته بود؛ احزاب «النور» و «الاصالة» به‌ویژه پس از به‌قدرت‌رسیدن اخوان از شرایط سود جستند و به تقابل با تصوف و شیعه در این کشور پرداختند. اوج گسترش خشونت و افراط‌گرایی در مصر شهادت شیخ حسن شحاته در استان جیزه بود. همچنین سلفی‌ها از فضای به‌وجودآمده استفاده کردند و بسیاری از اماکن مقدس مصر مانند رأس‌الحسین عليه السلام و مقام حضرت زینب عليها السلام را تهدید به تخریب نمودند که با واکنش شدید مفتی مصر «علی‌الجمعه» روبرو شدند.^۲ در این مقطع حمله جریان‌های سلفی به‌ویژه گروه «انصار بیت‌المقدس» در صحرای سینا به نیروهای ارتش و پلیس مصر شدت یافت؛ «ایمن الظواهری» از تکفیری‌ها خواست نیروهای ارتش مصر را هدف حملات خود قرار دهند. چنین وضعیتی سبب شد احمد الطیب (شیخ‌الزهر) به خطر جریان‌های سلفی واکنش شدید نشان دهد و اعلام کند: «تکفیری‌های جهان معاصر ما از خوارجی که از دایره ایمان خارج شده بودند و کفر ورزیده خون مسلمانان را مباح دانسته بودند، خطرناک‌ترند».^۳

جریان‌های سلفی در یمن نیز تا قبل از سقوط علی عبدالله صالح فعال بودند؛ اما بعد از سقوط وی بر فعالیت خود افزودند و علاوه بر تبلیغات بسیار علیه شوافع و شیعیان زیدی دست به خشونت زدند؛ برای نمونه گروه «آل‌احمر»، هنگامی که شهرهای حوث، الخمری و دنان را تصرف کردند، حتی به کودکان نیز رحم نکردند و هنگامی که گروه «انصار الله» وابسته به جریان حوثی توانست این شهرها را باز پس گیرد، آثار شدید

۱. برای آشنایی با جنایات و هابیت ر.ک: صلاح‌الدین مختار، تاریخ‌المملکة العربیة السعودیة، ریاض، ۱۴۳۰ق.

۲. وی در قطعه‌ای ویدئویی از تهدید هدم آثار اسلامی در مصر سخن می‌گوید و رسماً کسانی را که به دنبال تخریب این آثار هستند، نفرین می‌کند که خداوند دستان و پاها و زبان چنین افرادی را قطع کند.

www.youtube.com.

3. <http://www.entekhab.ir/fa/news/158546>

شکنجه بر بدن قربانیانی که تعداد زیادی از آنها کودکان بودند، هویدا بود.^۱ سلفی‌ها در تونس متأثر از سلفیان افراطی در الجزایر هستند؛ اما در دوران بورقیبه و بن‌علی، به‌شدت سرکوب شدند؛ اما پس از انقلاب ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ و فضای باز به‌وجودآمده و آزادی زندانیان، بار دیگر این جریان در تونس فعال شد و کوشید عنان تحولات تونس را در دست بگیرد. در این دوران جریان سلفی در قالب سه حزب سیاسی اصلاح به رهبری «محمد خوجه»، اصالت به رهبری «مولودی مجاهد»، و الرحمه به رهبری «سید الجزیری» و چندین مجمع از جمله مجمع «انصار الشریعه» به رهبری ابویاض (رهبر پرنفوذ جهادگرایی سلفی در تونس) و مجمع «ملی‌گرای آگاهی و اصلاح» به رهبری «ال علمی» تشکیل شد و به فعالیت پرداخت (هوشنگ عزیزی، ۹۱/۱۲/۷).

فعالیت سلفی‌ها در تونس پس از انقلاب را می‌توان در دو قالب ارزیابی کرد؛ نخست جریان اصلاح‌طلب و دوم جریان جهادی. سلفی‌های اصلاح‌طلب یا علمی که در اکثریت‌اند، خشونت را نفی و دموکراسی را رد می‌کنند و خواهان اجرای شریعت‌اند و تعداد آنها در حدود بیست هزار نفر است. بیش از نیمی از حامیان «النهضه» روابط نزدیکی با سلفی‌های اصلاح‌طلب دارند. همین مسئله باعث شده است النهضه با وجود اختلافات و اقدامات خشن و نقض قوانین توسط سلفی‌ها از تقابل با آنها بپرهیزد. النهضه جنبش سلفی‌ها را یک متحد برای دوران سخت و زمان انتخابات می‌بیند (همان).

اما در مقابل، سلفی‌های جهادی تحت هدایت مجمع «انصار الشریعه» گروهی فعال و در حال رشد و گسترش‌اند. سلفی‌های جهادی جهاد را یک وظیفه و تکلیف می‌شناسند و جهاد را تنها محدود به مرزهای تونس نمی‌دانند تا جایی که جهادگرایان سلفی در جنگ داخلی سوریه نیز حضور دارند. سلفی‌های جهادی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ گروه اول مستقل‌اند و گروه دوم با القاعده ارتباط دارند و تا حد زیادی به این گروه وابسته می‌باشند. سلفی‌های جهادی در شمال پایتخت در شهرهایی مثل بیزرت، جندوبا، کاروان، مهدیا، سوس، سفاکس، تزور و ژربا حضور دارند. شمار جهادی‌ها قبل از انقلاب تونس صدها نفر بود؛ اما امروزه شمار آنها بین هفت هزار تا نه هزار نفر است (ر.ک: هوشنگ عزیزی، ۱۳۹۱).

درمجموع حملات انتحاری و تقابل مستقیم نیروهای امنیتی تونس که وابسته به حزب



النهضة می‌باشند، پس از انقلاب تونس به شدت گسترش یافته و حتی به کشته‌شدن تعدادی از نیروهای نظامی و سلفی‌ها در شهرهای «سیدی ابوزید» و «غارالدماء» انجامیده است.^۱

شرایط در سوریه و عراق به مراتب دشوارتر و خطرناک‌تر است. از سال ۲۰۱۱ تا کنون بیش از ۲۳۰۰۰۰ نفر از مردم سوریه کشته شده‌اند که بیش از دوازده هزار نفر آنان کودکان زیر ۱۰ سال بوده‌اند. (گفتگوی حضوری با عبدالستار السید، ۱۰/۱۰/۹۳). آغاز حرکت‌های مردمی در سوریه برای اصلاح حکومت بشار اسد با انقلاب آغاز شد؛ اما رفته‌رفته با ورود در حدود دویست هزار نفر از بیش از هشتاد کشور دنیا وضعیت کاملاً دگرگون شد و جنایت‌ها و خشونت‌های این افراد در مقابله با مردم بی‌گناه این کشور به جایی رسید که حتی گروه‌های ملی‌گرای مخالف دولت نیز خطر این گروه‌های تکفیری را احساس کردند و در قبال آنها موضع گرفتند.

البته خشونت سلفیه تکفیری تنها به این کشورها منحصر نمی‌شود؛ در نیجریه بوکو حرام، در سومالی الشباب و در آسیای میانه حزب التحریر و در پاکستان سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، لشکر طیبه دست به چنین رفتارهای خشونت‌آمیز زده و می‌زنند.

جریان‌های سلفی در مجموع از دو بعد به امنیت و ثبات جوامع اسلامی ضربه می‌زنند: نخست با رفتارهای خشونت‌آمیز و تروریستی خود آسایش و امنیت را از جامعه سلب می‌کنند و دوم اعمال و رفتارشان موجب تضعیف دولت مرکزی می‌شود و موج ناامنی و بی‌ثباتی را در جامعه گسترش می‌دهد. چنین وضعیتی به‌خوبی در کشور نیجریه مشهود است. این کشور از یک طرف گرفتار جریان تکفیری بوکو حرام است و از طرف دیگر به علت هزینه‌های بسیار مقابله با این جریان تکفیری، قدرت مقابله با فساد و ناامنی را ندارد (عطیه عیسوی، ۲۰۱۵).

نوع پخش خشونت و ارهاب در جهان اسلام نیز جابه‌جایی است؛ به این معنا که سلفیه از نظر جغرافیایی مرزی برای خود نمی‌شناسد و هر جا که احساس کند نیاز به حضور است، در آنجا حاضر می‌شود؛ بنابراین در کشورهایی مانند یمن، سوریه، مصر، لیبی، عراق سلفی‌های تکفیری با ملیت‌های مختلف دیده می‌شوند؛ حتی تبعه کشورهای اروپایی نیز در میان تکفیریان به‌سر می‌برند. برخی کشورها در این جابجایی‌ها نقش جابه‌جاکننده را ایفا می‌کنند؛ ترکیه در بحران عراق و سوریه چنین نقشی را به عهده دارد.

1. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920803000126>

۲-۲-۲. ورود نیروهای خارجی به جهان اسلام

نقطه عطف حضور نیروهای خارجی به‌ویژه غربی در جهان اسلام پس از واقعه یازده سپتامبر بود که این واقعه ارتباط مستقیمی به جریان‌های سلفی و در رأس آنان القاعده داشت. امریکا از فرصت به‌دست‌آمده برای لشکر کشی به منطقه به‌خوبی بهره برد. از آن زمان همواره فعالیت‌های سلفیه در جهان اسلام به‌نوعی تضمین‌کننده حضور نیروهای خارجی در جهان اسلام بوده است. طالبان و فعالیت‌های آنان در افغانستان بهانه حضور امریکا و هم‌پیمانان آنان در این کشور شده است. فعالیت جریان‌های تکفیری در مناطق مرزی پاکستان همواره سبب شده است هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی مناطق مرزی این کشور به‌ویژه مناطق پشتون‌ستان را بمباران کنند. از سال ۲۰۰۳ تا کنون تنها ۳۵۰۰ غیرنظامی در حمله هواپیماهای بدون سرنشین امریکا به پاکستان کشته شده‌اند.^۱ عراق نیز پس از سقوط صدام همواره با خطر جریان‌های سلفی و تکفیری روبرو بوده است و یکی از مهم‌ترین توجیهاتی که بیگانگان برای حضور در عراق به آن استناد می‌کردند، وجود ناامنی و کشتارهای بسیاری بود که گروه‌های تکفیری به‌ویژه القاعده شاخه ابومصعب زرقاوی در عراق صورت می‌دادند (بشیر نجفی، ۱۳۹۳/۱۲/۱).

پس از انقلاب‌های عربی در کشورهای اسلامی، سلفیه بر فعالیت خود افزود و از فضای متشنج به‌وجودآمده جهت ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی بهره‌جست. فعالیت جریان‌های سلفی در عراق و سوریه رسماً پای بیگانگان را به منطقه باز کرده است و در کشورهایی مانند لیبی که پس از انقلاب شرایط بحرانی را می‌گذراند، این کشورهای غربی‌اند که سیاست‌های خود را پیش می‌برند.

عملکرد بد اخوان و النور سلفی در مصر سبب شد مردم علیه آنان به پا خیزند و دفع افسد به فاسد کنند و بار دیگر سیسی، حاکم دست‌نشانده غرب به حکومت مصر برسد. چنین وضعیتی در یمن نیز مشاهده می‌شود؛ حضور سلفیان در جنوب یمن تا پیش از تسلط حوثیان بر صنعا سبب شد بارها هواپیماهای بدون سرنشین غرب منطقه باب‌المنذب و عدن را بمباران کنند و دولت یمن نیز برای جلب مساعدت غرب امتیازات زیادی را به آنها واگذار کند.

از طرف دیگر، غرب پس از آغاز انقلاب‌های عربی و بیداری اسلامی برای جلوگیری از گسترش و احیای اسلام در کشورهای اسلامی به‌شدت به جریان‌های سلفی امیدوار شده



است؛ جریان‌هایی که می‌توانند از رشد و گسترش اسلام معتدل و انقلاب در کشورهای اسلامی جلوگیری کنند و مردم را از بیداری اسلامی، ناامید نمایند؛ غرب این نوع استفاده از سلفیه در مقابل اتحاد جهان اسلام را در جریان وهابیت داشته است؛ هنگامی که انگلستان از عبدالعزیز حمایت کرد و کوشید وهابیت را بر عربستان سعودی مسلط کند، به‌خوبی دریافته بود این جریان نمی‌تواند جهان اسلام را در مقابل غرب متحد کند، بلکه وهابیت خود عامل تفرقه، کشتار و ناامنی در جهان اسلام خواهد بود و حضور غرب در کشورهای اسلامی را استحکام می‌بخشد. (علیزاده موسوی، ۱۳۸۱).

چنین وضعیتی امروز در جهان اسلام نیز وجود دارد. سلفیه عامل و سد بزرگی در برابر رشد احیای اسلام اصیل و همگرایی جهان اسلام برای مقابله با غرب و مدرنیسم است و این وضعیت را غرب به‌خوبی درک کرده است. شیوه پخش در این مورد، جابجایی است. از یک سو حضور نیروهای سلفی در مناطق مختلف جهان زمینه حضور غرب را فراهم می‌کند و از سوی دیگر غرب با گسیل نیرو و بهره‌برداری از کارشناسان و نخبگان سیاسی خود زمینه‌های حضور خود را در منطقه فراهم می‌سازد.

۳-۲-۲. تضعیف اسرائیل ستیزی در جهان اسلام

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین اهداف بیداری اسلامی، اعاده حیثیت مسلمانان و آزادی قدس شریف از سیطره رژیم اشغالگر اسرائیل است. در مطالبات انقلابی مردم، مقابله با اسرائیل و رژیم صهیونیستی کاملاً مشاهده می‌شود. مردم در مصر به امید روزی که بتوانند در برابر رژیم صهیونیستی که حیثیت و آبروی آنان را لکه‌دار کرده است، بایستند، دست به مبارزه زدند.^۱ یکی از عوامل سرنگونی مرسی نیز عدم اعلام برائت و بیزاری او از

۱. پژوهشی با عنوان «بیداری اسلامی در مصر و چالش‌های هویتی و امنیتی رژیم صهیونیستی در منطقه» انجام شده است که در پی پاسخ به این پرسش است که وقوع تحول‌های انقلابی در مصر و برکناری رژیم دیکتاتوری حسنی مبارک چه تأثیری بر جایگاه هویتی و امنیتی رژیم صهیونیستی گذاشته است؟ در این تحقیق با استفاده از نظریه گفتمان لاکلا و موفه، شکل‌گیری و هژمونیک‌شدن گفتمان بیداری اسلامی با دال مرکزی ضدیت با اسرائیل که به نوعی بیانگر علل تحول‌های منطقه بوده و به صورت مستقیم آینده‌هویتی و امنیتی رژیم صهیونیستی را تهدید می‌کند، به‌تصویر کشیده شده است (سید محمد موسوی، مطالعات جهان اسلام، مقاله ۵، دوره ۲، ش ۱، تابستان ۱۳۹۳).

رژیم غاصب صهیونیستی بود. زمامداران اسرائیلی نیز بارها وحشت خود را از گسترش بیداری اسلامی و رشد و گسترش اسرائیل‌ستیزی در فضای بیداری اسلامی اعلام کرده‌اند.^۱

در چنین شرایطی هراس غرب و اسرائیل از کشیدن انقلاب‌های اسلامی به مقابله با اسرائیل به عنوان هدف مشترک تمامی انقلابیون وحشت مضاعفی را به سران صهیونیستی تزریق کرد. اما جریان سلفیه این بار نیز به فریاد اسرائیل رسید. در شرایطی که جهان اسلام می‌توانست مسئله فلسطین را نماد مبارزه تمام جریان‌های اسلامی کند. مسئله، جریان سلفیه مسیر را منحرف کرد و شرایط را به نفع اسرائیل رقم زد؛ به عبارت دیگر درگیری شدید جریان سلفی با نیروهای خودی سبب شد مقابله با اسرائیل فراموش شود و تمامی قدرت و بنیه مسلمانان صرف مقابله با جریان‌های سلفی تکفیری گردد.

از طرف دیگر جریان تکفیری با ورود به سوریه، به بهانه بیداری اسلامی، درحقیقت زمینه را برای درهم‌شکستن مثلث مقاومت فراهم کرد و غرب و اسرائیل نیز از هیچ کمکی به آنها دریغ نکردند؛ اسرائیل از شرایط به وجود آمده به‌خوبی استفاده کرد؛ اسرائیل درحالی که فکر و ذهن مسلمانان درگیر داعش و گسترش سرزمینی و فکری آن بود، غزه را زیر آتش توپخانه گرفت و از غفلت مسلمانان به‌خوبی بهره جست.

داعش در برابر این شماتت که چرا به جای مقابله با اسرائیل با مسلمانان می‌جنگد، رسماً اعلام کرد هدف اصلی آنان دشمنان قریب (مسلمانان) اند نه دشمنان بعید (اسرائیل).^۲

اسرائیل همان‌گونه که از سکوت خبری درباره حمله به غزه بهره برد، ارتباطات گسترده‌ای با گروه‌های تکفیری همانند داعش برقرار کرده است. اخبار مبنی بر معالجه ابوبکر بغدادی و مجروحان جبهة‌النصره در سوریه توسط تیم‌های پزشکی اسرائیل اخباری

۱. بندتا برتی در مقاله‌ای تحت عنوان «بیداری عربی (اسلامی) و رشد اسلام‌گرایی سیاسی» که در اندیشکده مطالعات امنیت ملی رژیم صهیونیستی منتشر شده است به افزایش قدرت اسلام در منطقه و هراس رژیم صهیونیستی از نفوذ و اقتدار جمهوری اسلامی ایران اذعان می‌کند و رسماً می‌گوید: از آغاز بیداری عربی (اسلامی) هراس اسرائیل از رشد گروه‌های اسلام‌گرا در منطقه افزایش یافت. نتانیاهو نگران افزایش قدرت ایران در منطقه و اقبال انقلابیون منطقه به ایران است:



است که از حد تواتر گذشته است. به نظر می‌رسد اسرائیل از وجود جریان‌های سلفی در فضای بیداری اسلامی دو گونه سود می‌جوید:

۱. هدف اصلی بیداری اسلامی را که مقابله با رژیم صهیونیستی است به محاق می‌برد.

۲. جنگ و رویارویی تکفیری‌ها با مسلمانان موجب ضعف بنیه دو طرف می‌شود، نتایج به اوباما گفته بود چندان به فکر علاج جنگ داعش و دولت عراق نباش که هر طرف تضعیف شوند، به نفع ماست؛ حتی نتایج رسماً در نیویورک اعلام کرد خطر ایران از داعش بیشتر است.^۱

بنابراین بی‌تردید وجود جریان‌های تکفیری در فضای بیداری اسلامی جبهه‌ی مقابله با اسرائیل را تضعیف خواهد کرد و نگاه‌ها را از اسرائیل به قلب کشورهای اسلامی خواهد کشاند. نوع پخش در این مورد، سلسله‌مراتبی است که این وضعیت شرایط را اسفناک‌تر می‌کند؛ به عبارت دیگر نگاه نخبگان و رهبران از اسرائیل به فضای درون معطوف می‌شود و این امر در پیروان و اقشار و لایه‌های مختلف اجتماعی نیز منتشر می‌شود.

۴-۲-۲. سلفیه و چالش‌های بیداری اسلامی

شاید یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که سلفیه در برابر فرایند بیداری اسلامی به وجود آورد، ناکام‌ماندن بیداری اسلامی در بسیاری از کشورهای اسلامی است. مسلمانانی که در طول قرون متمادی از تحقیر و پیروی کورکورانه از غرب به تنگ آمده بودند، با بهره‌گیری از آموزه‌های ارزشمند اسلام و تجربیات مصدحان جهان اسلام به دنبال بازگشت به اسلام اصیل بودند و دال مرکزی گفتمان بیداری اسلامی نیز همان «الاسلام هو الحل» طلیعه‌ی این اندیشه بود؛ به‌ویژه که در عالم خارج نمونه‌ای مانند ایران شکل گرفته بود و می‌توانست الگویی برای توده‌های مسلمان باشد. اما اسلام سلفی با عرضه خود و حمایت‌های داخلی (عربستان و قطر) و خارجی، نوعی یأس و دلزدگی به وجود آورد و شرایط آرمانی بیداری اسلامی را برهم زد. ارائه قرائت‌های تند و افراطی از اسلام، نپذیرفتن شرایط روز و عوامل توسعه، نقل‌گرایی و سلف‌گرایی مفرط و دامن‌زدن به

اختلافات قومی مذهبی و فرقه‌ای فرایند بیداری اسلامی را ناتمام گذاشت.^۱ اما تمام فشارها و مشکلاتی که سلفیه متوجه بیداری اسلامی کرده‌اند، یک دستاورد مهم داشته است و آن اینکه ماهیت جریان‌های سلفی را برای مسلمانان فاش و هویدا کرده است. جنایت‌ها، تفکرات و اندیشه‌های جریان سلفی تکفیری آن‌چنان لخت و عریان ارائه شد و صحنه‌هایی را در جهان اسلام آفرید که توده مسلمانان را از آنان منزجر کرده و چه بسا از دل این همه سیاهی و تباهی، بار دیگر گل زیبای اسلام معتدل و انقلابی سر بر آورد.^۲

نتیجه

طیف‌های مختلف سلفی، تأثیرات گوناگونی بر روند و فرایند بیداری اسلامی به همراه داشته‌اند. این تأثیرات در حوزه افکار و رفتار بوده‌اند. تأثیرات عمیق سلفیه در حوزه اندیشه و رفتار سبب شد بیداری اسلامی از اهداف و آرمان‌های اصلی خود فاصله بگیرد و روند بیداری اسلامی در بسیاری از کشورهای منطقه با رکود و چالش‌های فزاینده مواجه شود و در عمل انقلاب‌های اسلامی^۳ عربی ناتمام و ابتر بماند و زمینه برای بازگشت به شرایط قبل از انقلاب یا حتی بدتر از آن شرایط فراهم گردد.

از طرف دیگر با توجه به نظریه پخش می‌توان تأثیرات مستقیم سلفیه را در دو حوزه افکار و رفتار بررسی کرد که این افکار و رفتار از سویی متأثر از فضای سلفیه بوده‌اند و از طرفی خود بر روند بیداری اسلامی تأثیر گذاشته‌اند. ترویج قرائت سلفی از بیداری اسلامی، رشد و توسعه فرهنگ افراط‌گرایی، ترویج نظریه خلافت در سایه بیداری اسلامی، تغییر کانون علمی به کانون جاهلی در رهبری حرکت‌های سلفی در حوزه افکار و رشد خشونت و افراط، حضور غرب در جهان اسلام، تضعیف جبهه مقابله با اسرائیل و پیدایش چالش‌ها و یا ناکام‌ماندن بیداری اسلامی در حوزه رفتار از مهم‌ترین تأثیرات مستقیم این جریان است.

۱. سیدحسین نصرالله در گفتگویی که در محرم ۱۳۳۶ انجام شد، چنین عقیده‌ای را مطرح کرد.

۲. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: سیدمهدی علیزاده موسوی، بیداری اسلامی، ویرایش دوم، بعثه مقام معظم رهبری در امور حج و زیارت، ۱۳۹۲.

کتابنامه:

- احمد خالد، *المشروع الإيراني لحياء الهلال الشيعي*، در:
<http://www.al-tagheer.com>: 2001/2/5
- جغرافیای سیاسی تروریسم تکفیری در قاره آفریقا، در:
www.islamtimes.org
- جمعی از نویسندگان، *مفهوم‌شناسی تهدید سخت، نیمه‌سخت و نرم*، مطالعات بسیج، ش ۳۹، ۱۳۸۷، موجود در پرتال جامع علوم انسانی.
- جنگ روانی به مدد رسانه، ح. اژدر، *خبرگزاری فارس*، ۱۳۷۸.
- حسن خانی، محمد، «اسلام‌هراسی در رسانه‌های غربی: مطالعه موردی، روزنامه تایمز، چاپ لندن»، *رسانه*، ۱۳۸۸.
- دوست محمدی، احمد و حسین زحمتکش، «بررسی ریشه‌های خشونت در الجزایر دهه ۹۰»، *فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست*، ش ۱۱، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۸۸.
- ر.ک: ادوارد سعید، *شرق‌شناسی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سلفی‌ها خوارج زمانه هستند، ۱۳۹۲/۳/۶ در:
www.afghanistan.shafagna.com
- سلفی‌های خشمگین از گسترش تشیع، خواهان تشکیل انقلاب بین‌المللی تسنن علیه شیعیان شدند، در:
Shafaghna.com: 63/12/2
- صلاح نصر، *جنگ روانی*، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، سروش، ۱۳۸۷.
- عزیزی، هوشنگ، *جریان‌شناسی سلفی‌ها در تونس*، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۹۱.



- _____؛ جریان‌شناسی سلفی‌ها در تونس، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۹۱/۱۲/۷، در: www.fa.cmess.ir
- عطیه عیسوی، *سرقوة بوکوحرام*، الاهرام، ۱۸ نوامبر ۲۰۱۵، شماره ۴۶۷۹۴.
 - علیزاده موسوی، سید مهدی؛ *بررسی تأثیر سلفی‌گری بر بیداری اسلامی و راهکارهای ج.ا.ا. در مقابله با آن*، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۹۳.
 - _____؛ *سلفی‌گری و وهابیت*، چ ۷، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۳.
 - گروهی از نویسندگان، *مسلمانان اروپا و امریکا*، ترجمه سید مهدی علیزاده موسوی، کیش مهر، ۱۳۸۱.
 - مردم مصر و شعار «الشعب يريد اسقاط النظام»، ۱۳۸۹/۱۱/۲۴ در: www.islamtimes.org
 - مشیرزاده، حمیرا، «نگرشی اجمالی به نظریه‌های انقلاب در علوم اجتماعی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن»، *مجموعه مقالات (۱)*، معاونت امور اساتید، قم.
 - نجفی، بشیر، *تلاش امریکا بر ادامه حضور تکفیری‌ها در عراق است*، نجف اشرف، واحد مرکزی خبر، ۱۳۹۳/۱۲/۱.
 - هرسیچ، حسین و رثوف رحیمی، «تجزیه و تحلیل جنبش وال استریت بر اساس نظریه هابرماس»، *جستارهای سیاسی معاصر*، س ۴، ش ۴۵.
 - Hermann, Ch, *Crisis in foreign policy: A simulation analysis*, Indianapolis: Bobbs Metirill, 1969.
 - <http://entezar1171.blogfa.com/post-31.aspx>.
 - Joseph, S. Nye, *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, 2004, US.
 - Runnymade Trust, "Islamophobia: A Challenge For Us All", P.1, 1991, cited in Qoraishi, Muzammil, *Muslims and Grime: A Comparative Study*, Ashgate Publication Ltd, 2005.

- Seyyed Vali Reza Nasr, The Shia Revival: How Conflicts Within Islam Will Shape the Future, Norton, 2007.
- www.daikondi.com/islambidari.htm.
- www.entekhab.ir/fa/news/158546.
- www.entekhab.ir/fa/news/158546.
- www.fa.alalam.ir/news/1562437.
- www.fa.alalam.ir/news/1562528.
- www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920803000126.
- www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930111000274.
- www.farsnews.com/newstext.php?nn=8612250597.
- www.farsnews.com/printable.php.
- www.iqna.ir/fa/news/1391904.
- www.jamejamonline.ir: 91/7/29.
- www.yjc.ir/fa/news/4322163.
- www.youtube.com.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

